

## هدف اصلی سفر اوباما به مسکو

سرپیس روسیه/خبرگزاری آران

سعدالله زارعی

خبرگزاری آران / سرپیس روسیه : سفر سه روزه رئیس جمهور آمریکا به روسیه گمانه زنی های زیادی را در مورد هدف یا اهداف این سفر و نتایج حاصله از مذاکرات باراک اوباما با رئیس جمهور و نخست وزیر روسیه به دنبال داشته است.

در این میان «تلاش برای تمدید مفاد قرارداد استارت 2» که طی چند ماه آینده دوره 30 ساله آن به اتمام می رسد، مذاکره پیرامون استقرار سامانه ضد موشکی آمریکا در دو کشور اروپای شرقی- چک و لهستان، انعقاد قرارداد میان مقامات دو کشور برای استفاده از آسمان روسیه برای انتقال نیرو و تجهیزات به افغانستان و تلاش برای جلب توافق روس ها برای اعمال فشارهای بیشتر اقتصادی به ایران به قصد واداشتن جمهوری اسلامی به تسلیم بعنوان مهمترین اهداف این سفر ذکر شده اند. محورهای یاد شده البته مورد گفت وگو واقع شده اند و خبرهای آن نیز -هرچند محدود- به رسانه ها درز کرده است ولی هیچ تردیدی وجود ندارد که این اهداف در درجه یکسان از اهمیت قرار ندارند و از این رو باید به تفکیک موضوع اصلی از موضوعات فرعی پرداخت. اما آنچه از لابلای خبرها به نظر می رسد:

1- موضوع استقرار یا عدم استقرار سامانه دفاع ضد موشکی در دو کشور چک و لهستان طی 2 سال اخیر سروصدای زیادی به راه انداخته است، آمریکایی ها از همان آغاز تلاش کردند تا ماهیت ضد روسی آن را مخفی و بر جنبه ضد ایرانی آن تاکید کنند اما موضوع استقرار سامانه های مورد اشاره اخیرا توسط خود آمریکایی ها نیز مورد تردید واقع شد به گونه ای که «جوزف بایدن» معاون اول رئیس جمهور آمریکا در اواخر سال گذشته در حاشیه اجلاس امنیتی مونیخ گفت: «از نظر اقتصادی باید بررسی شود که آیا می توان سپر دفاع موشکی را در چک و لهستان مستقر کرد یا نه» بنابراین موضوعی که توسط معاون مورد تردید واقع شده نمی تواند موضوع اصلی مذاکرات دو رئیس جمهور باشد. کمالینکه در نهایت مطبوعات روس و آمریکا مشترکا نوشتند مذاکرات در این خصوص از سطح مباحثات گذشته فراتر نرفت.

2- تلاش برای تمدید و بازسازی قرارداد استارت 2 -مهار کردن سلاح های کشتار جمعی- که در رسانه ها با آب و تاب از آن سخن گفته شد، موضوع مهمی بود ولی کسی تردید نداشت که محدودسازی کلاهک های هسته ای از 18 به 6 هزار عدد مطابق توافق 1979 عملیاتی می شد و اساسا روس ها با آن مخالفتی نداشتند تا به مذاکره نیاز باشد. بعضی از تحلیلگران معتقدند عنوان محدودسازی کلاهک های دهه، 1960 و 1970، فریبنده است چرا که با توجه به دستاوردهای جدید تسلیحاتی آمریکا و روسیه حفظ آن سلاح ها منطقی نمی باشد. بر این اساس موافقت دو کشور با محدودسازی کلاهک ها صرفا یک ژست بشردوستانه است که هر دو کشور از آن بهره می برند ولی در عین حال این به معنای کاهش «سلاح های استراتژیک تهاجمی» نیست. پس در یک جمله می توان گفت مذاکرات این هفته مسکو برای بحث درباره بازسازی قرارداد استارت 2 نبود.

3- مذاکره پیرامون استفاده از آسمان روسیه برای انتقال نیرو و تجهیزات نظامی به افغانستان یکی از موضوعات مطرح شده میان مقامات دو کشور بوده است. فرانس 24 روز گذشته تصریح کرد این تنها دستاورد سفر اوباما به روسیه بود. با این حال نباید گمان کرد که این یک نقطه استراتژیک است. آمریکایی ها با وجود کسب مجوز عبور از آسمان روسیه هنوز برای «لجستیک آسان نیروها در افغانستان» با مشکلات عدیده روبرو هستند برای آنان بهترین راه، استفاده از دریا و عبور از نزدیکترین مسیر به سمت افغانستان است. برای آنان هنوز هم استفاده از آسمان پاکستان و یا آسمان هند در برابر آسمان روسیه ترجیح دارد و مشکلی هم برای استفاده از آسمان این دو کشور نداشته اند بنابراین باید گفت مذاکره در این خصوص نیز نمی تواند هدف یا یکی از اهداف اصلی سفر اوباما باشد.

4- مذاکره پیرامون موضوع «ایران» یکی از اهداف قطعی سفر بوده است بگونه ای که مقامات و رسانه های آمریکایی از چند هفته پیش از سفر اوباما به مسکو درباره لزوم توافق میان دو طرف برای مهار ایران خبر داده اند. آمریکایی ها بارها اذعان کرده اند که مشکل اصلی آنان در منطقه، «ایران» است و کمترین تردیدی وجود ندارد که آمریکایی ها در ماههای گذشته تلاش کرده اند تا هر پرونده خاورمیانه را به موضوع ایران گره بزنند و از آنها استنتاج دلخواه خود را بیرون آورند. آنان به ثمر نشستن پروژه لبنان- حفظ اکثریت توسط گروه حریری- عادی شدن روابط سوریه با عربستان در حالی که روابط ریاض و تهران طی ماههای اخیر سرد شده است، انتقال نیروهای نظامی از شهرهای عراق و انتقال به پادگان هایی در مجاورت مرز ایران و نیز آشوب های یک هفته ای تهران را علامت های کاسته شدن از اقتدار منطقه ای ایران معرفی کرده اند و حال آنکه در اهمیت و ارتباط هر کدام با قدرت تهران بسیار اغراق شده است. به نظر می آید که موضوع اصلی مذاکرات مسکو، «ایران» بوده است.

آمریکایی ها از ماهها قبل تلاش کرده اند تا شرایط آینده ایران را دشوار معرفی کنند. هیلاری کلینتون دو روز پیش به رسانه های آمریکایی گفت: «آمریکا به دنبال تغییر رفتار ایران از طریق اعمال تحریم های سخت تر است» او به گونه ای غیر صریح از توافق طرف های مختلف پیرامون «خطر ایران» صحبت کرد که منظور او چهار محور اعراب، رژیم صهیونیستی، اروپا و روسیه بود. البته روس ها بلافاصله این ادعا را رد کردند و گفتند که ایران در چارچوب آژانس بین المللی انرژی اتمی مشکلی برای هیچ کشوری نیست. از نظر آمریکایی ها، روسیه مهمترین مشکل در مواجهه واشنگتن با تهران است چرا که عدم همراهی روسیه می تواند مجموعه تلاش های گروه 5+1 را خنثی و راه اعمال فشار بیشتر به ایران را سد نماید. هر چند که هنوز از مفاد مذاکرات دو طرف پیرامون ایران اطلاعی در دست نیست ولی با توجه به مواضع پیشین روسیه می توان گفت اوباما سه روز سخت را در مسکو گذرانده است. آمریکایی ها قطعاً بر موضع خود پای فشرده اند و مواجهه سخت تر با ایران را بعنوان «پدیده ای غیر قابل تغییر» معرفی کرده اند. چند روز پیش «مایکل مکفول» رئیس بخش روسیه و منطقه اوراسیای شورای امنیت ملی آمریکا با اشاره به سفر اوباما به مسکو گفت: «روش ما این است که منافع ملی خود را مطرح می کنیم و قاطعانه درباره آن صحبت می کنیم و در نظر می گیریم که شرایط طرف مقابل مناسب است یا خیر. ما قصد چانه زنی با روسیه را نداریم».

اما البته برخلاف ادعای مکفول (Mackfool) اوباما ناگزیر به چانه زنی و دادن امتیاز بوده است چرا که هیچکدام از اعضای دیگر گروه 5+1 قادر نیستند جایگاه روسیه را در این عرصه پر کنند. آمریکایی ها از قبل تلاش کرده اند تا به گروه 5+1 بقبولانند که در صورت به بن بست رسیدن مذاکرات و یا حاضر نشدن ایران به مذاکره، اعمال تحریم های شدیدتر علیه تهران را بپذیرند و با آن همراهی کنند. درست همزمان با مذاکرات اوباما با مدودف، معاون رئیس جمهور آمریکا - بایدن- اعلام کرد که آمریکا موافق تهدید نظامی علیه ایران نیست ولی نمی تواند مانع اسرائیل از اقدام نظامی شود، این اظهارات بعنوان مقوم مذاکرات اوباما مطرح شده تا طرف روس بتواند در برابر ایران استدلال کند که انتخاب گزینه «تحریم شدیدتر» مخالفت با «تهدید نظامی» و توقف هر نوع اقدام نظامی بر ضد تهران است. این ترنند البته با واکنش منفی مقامات مسکو مواجه شد و از این رو وزارت خارجه آمریکا توضیح داد که صحبت بایدن به معنای موافقت یا اجازه آمریکا به حمله نظامی بر ضد ایران نیست.

باراک اوباما در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دوره بوش به این جمع بندی رسیده بود که جمهوری خواهان بیش از حد از ابزارهای قدرت ملی آمریکا استفاده کرده و از همراه ساختن دیگران چشم پوشیده اند و این به انزوای بین المللی آمریکا انجامیده است. او طی ماههای اخیر به دنبال ایجاد محوری تحت عنوان «گروه کشورهای همراه» بوده است آمریکایی ها تلاش کرده اند تا به بقیه بیاوراند آنچه به نفع آمریکاست به نفع آنان نیز هست!

اما در مجموع می توان گفت مذاکرات مسکو تا آنجا که به حاشیه ها- موضوع سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی، ترانزیت نیرو و تجهیزات به افغانستان، بازسازی پیمان استارت 2، بازسازی روابط روسیه، آمریکا و... - مربوط بوده، پیشرفت هایی داشته است ولی تا آنجا که به موضوع اصلی- ایران - مربوط بوده نتوانسته است آمریکا را به مطلوب خود

نزدیک کند. شاید از این رو بود که اوباما لحن اولیه خود درباره روسیه- اینکه ما و شما بخش هایی از جهان متمدن هستیم و با مشکلات مشترکی نظیر تندروی اسلامی مواجه ایم- را کنار گذاشت و در مدرسه عالی اقتصاد روسیه از نیاز دولتمردان روسیه به قانون مداری و جلب رضایت شهروندان حرف زد و آن را شرط بقاء دولت در روسیه معرفی کرد. یک کارشناس آمریکایی- کلیفورد گدی- به روزنامه آلمانی اشپیگل گفت: «ایده «شروعی دوباره در رابطه با مسکو» کارآیی خود را از دست داده است». او گفت روس ها تجربه دهه 1990 را دارند که در آن روسیه از نظر اقتصادی ضعیف شده بود و غرب تلاش می کرد تا ناتو را به شرق گسیل کند. اشپیگل سپس افزود: روسیه در فاصله سالهای 2000 تا 2008 - دوره پوتین- مشکلات خود را پشت سر گذاشت و دیگر مایل به بازگشت به گذشته نیست. پایان پیام.